

۲۰۰۹/۱۰/۲۴

ناصر پور پیرار

اسلام و شمشیر

برگرفته از سایت حق و صبر
بخش اول

بیشترین کوشش دشمنان اسلام در کار پیوند دادن اندیشه اسلامی با کار آیی تیغه شمشیر گذشته است. ابزار دست این دشمنان حيله گر و در موارد بیشتری دوستان سهل انگار و آسانگیر، توسل به آیه های «قتال» در قرآن عظیم است که عمدتاً در سوره بقره دیده میشود.

اینک در گمان و بیان بسیاری از غیرمسلمانان و نیز مسلمانانی که داستانهای رسوخ اسلام بجهان از مسیر شمشیر کشتی‌های سرباز مسلمان عرب را پذیرفته اند، اسلام دین خونریزی، مکافات دهی، دست بری، گردن زنی، رجم و تخریب جاهلانۀ فرهنگ ماقبل خویش شناخته میشود! در این میان، با حیرت بسیار، ناسیونالیسم عرب در القاء چنین باوری به جهان، از همه حریص تر است. آنها که در حال حاضر از ظهور تزه های جدید تاریخی برای شرق میانه هراسان شده اند و مثلاً بدون امپراتوری ساسانیان دیگر قادر به تکرار افسانه‌های فتوح قادیسیه و جلولا و نهاوند نیستند و شمشیر فرضی شان را از کار افتاده می بینند، علیه کتاب‌های تاملی در بنیان تاریخ ایران، در منطقه تبلیغ میکنند، چنانکه مراکز دانشگاهی باکو، پایتخت آذربایجان، لحظه ای از پریشان پراکنی درباره این کتاب‌ها کوتاه نمی‌آیند. در راس کشورهای عرب، که ورود جدید به مسایل صدر اسلام را غیر ضروری، مجرمانه و اندکی آن سوتر کافرانه می بینند، صاحب نظران رسمی دولت عربستان سعودی نشسته اند. برای من این موضع گیری آنها چندان هم ساده پندارانه، افسانه پرستانه، بی دلیل و غیر قابل فهم نیست. یک کشور اسلامی که در پرچم رسمی‌اش، شعار اصلی و اعتباری اسلام، یعنی «لا اله الا الله، محمد رسول الله» را با نمایش تیغه شمشیری در زیر آن تخریب میکند، نوع و ماهیت نگاه اش به اسلام قابل درک است و از میان این همه صاحب نظر و روشن فکر عالیجاه مسلمان کسی نیست تا از آن ها بپرسد: میان بیان لا اله الا الله با اشاره به شمشیر چه سنخیت و تناسبی است؟ آیا همین افزودن تیغه شمشیر بر شعار بنیانی مسلمین، شک رسوخ آن تفکر دست ساخت بیگانگان را در سرزمین کنونی کعبه برنمی انگیزد که یک هزاره است هدایت‌های اسلام را با هراس از شمشیر مسلمین در هم می‌آمیزند و تبلیغ میکنند؟ ابزاری که امروز با نام تروریسم اسلامی در دست یهودیان میگردد و تفکری که به کلی ساخته کرسی‌های تفرقه افکنی و ترس میان مسلمین و میان مسلمان و غیرمسلمان است و نباید از یاد برد که پرچم دار بزرگ تفکر شیعی، یعنی علی ابن ابی طالب را نیز مالک نوع دو دم همین شمشیرهای ساختگی کرده اند، آنها در حالیکه اثبات وجود ساده ترین آلت حرب نیز در صدر اسلام از نظر باستان شناسی ممکن نیست و بار دیگر بگویم که مورخ تنها و تنها بر سند همزمان با دوره تاریخی آن اعتبار میگذارد و تابع هیچ قول و بیان و روایتی نمی شود که غالباً با زمان خویش صد ها سال فاصله دارد.

حقیقت این که نه فقط در قرآن عظیم، چنان که در اندازه ی امکان باز خواهم گفت، اشاره ی مستقیمی به جنگ‌های فراوان نیست، بل آن آیات «قتال» نیز غالباً اندازه ی مهربانی و تقاهم و تحمل تاثیر گرفته از سفارشات اکید قرآن عظیم را معلوم می‌کند و نشان می‌دهد که مراعات دیگران و پرهیز از کین‌توزی و مقابله به مثل تا آن جا از سوی پیامبر بزرگوار توصیه و تبلیغ می‌شده، که حتی اقدام به دفاع شخصی نیز پیشاپیش نیازمند صدور اجازه و مجوزی از سوی قرآن بوده است.

"و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین. و اقتلوهم حیث تقفتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوهم و الفتته اشد من القتل و لا تقاتلوه عند المسجد الحرام حتی یقاتلوه فیه فان قاتلوه فاقتلوهم کذلک جزاء الکافرین. فان انتهوا فان الله غفور رحیم و قاتلوهم حتی لا تکنون فتته و یكون الدین الله فان انتوا فلا عدوان الا علی الظالمین. الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمات قصاص فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و اتقوا الله و اعلموا ان الله مع المتقین و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و احسنوا ان الله یحب المحسنین." آن که قصد فتنه‌گری، قتل و نفی شما را دارد، بکشید و نفی کنید، هر کجا که باشد، مشروط بر این که در راه خدا و بدون زیاده روی انجام شود، که خداوند زیاده روی را نمی پسندد. در کنار مسجدالحرام کسی را نکشید مگر این که در همان محل قصد قتل شما را داشته باشند و اگر آن ها حرمت ماه های حرام را نگه نداشته‌اند شما هم نگه ندارید. این مقابله تا مرحله ای است که آن‌ها از فتنه افروزی دست بدارند، آن‌گاه شما نیز دست بدارید. برای استقرار دین خدا، فقط به آن اندازه مجاز به مقابله اید که به شما ستم می‌شود. از خدا پروا کنید و پرهیزکاری را از یاد نبرید. تمام این مراتب باید در راه و برای دین خدا باشد، نباید خود را در معرض مهلکه قرار دهید و فراموش نکنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد». (بقره، آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵)

چکیده و روح این فرامین فقط به شرایط مقابله به مثل و دفاع از خویش باز می‌گردد، که با قید احتیاط‌های لازم، و چند اما و اگر، در قرآن عظیم می‌گذرد. معلوم است عمل به این دستورات نمی‌تواند شامل حوادثی شود که در آشفته‌گی یک جنگ رسمی بزرگ و عمومی می‌گذرد. در جنگ رعایت انصاف میسر نیست و نمی‌توان ملاحظه کرد و منتظر بود تا دشمن ضربه را وارد کند تا برابر دستورات درخشان این آیه‌ها به همان میزان تلافی شود. در جنگ رعایت و پرهیز از زیاده روی معنا نمی‌گیرد و بل مرسوم و واجب است هرچه بیشتر، حتی اگر خالی هم بر صورت شما نشانده باشند، دشمن بکشید. تمام این آموزه‌های عالی، با شروط لازم، فقط اجازه‌ی دفاع از خویش به‌هنگام تبلیغ دین تا مرحله‌ی قتل فتنه‌گر و متجاوز، حتی در اطراف خانه‌ی خدا و در ماه‌های حرام را می‌دهد و نمی‌توان این‌گونه آیات قتال را به جنگ عمومی تعبیر کرد. چنین است که در بررسی من هیچ یک از آیه‌های قتال به یک میدان جنگ رسمی باز نمی‌گردد. این آیات فقط تکلیف فرد را در برخورد با معاندین و فتنه‌گران معلوم می‌کند و اجماع و شمول جاری در نبردی همگانی را ندارد.

چنین دستورهایی از ظهور دوران جدیدی، که دوران مقابله با متعديان است، خبر می‌دهد. آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی حج اجازه‌ی کشتن به کسانی داده است که مورد ستم قرار می‌گیرند و خداوند آنان را به حمایت خود دل‌گرم می‌کند. در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی آل عمران یادآوری می‌شود که کافران قریباً به زانو درمی‌آیند و به درک واصل می‌شوند. آیه‌ی ۱۱۱ همان سوره تاکید می‌کند که مخالفان قادر به عرض اندام زیاد نیستند و برای توسل به قتل از سوی مردم پشتیبانی نمی‌شوند، چنان که در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی فتح از ذلت و ناتوانی کافران در رویارویی با مسلمین خبر می‌دهد و سرانجام آیه‌ی ۹۵ سوره‌ی آل عمران تذکر می‌دهد که خداوند زنان و مردانی را که در راه خدا تاراند شده، آزار کشیده و کشته شده اند به پاداش شایسته خواهد رساند. بدین ترتیب مرتبط کردن آیات «قتال» با جنگ رسمی نیازمند بازبینی و باریک اندیشی بیش‌تری است تا در هر دستور مقاومت فردی، پای شمشیرکشی و جنگ‌های وسیع به‌عرصه‌ی اسلام باز نشده باشد. در عین حال خداوند در آیات ۸ و ۹ سوره‌ی ممتحنه سفارش می‌کند که بی‌جهت نباید همه را دشمن فرض کرد و حتی رافت و ملاطفت و دوستی با غیرمومنی که عملاً درمقابله با اسلام نکوشیده را سفارش می‌کند و حساب آن‌ها را از دشمنان کافر و مخالفان سیاسی و نظامی جدا نگه می‌دارد و این است نگاه واقعی اسلام به جوامع انسانی و سفارشات مکرر قرآن به رعایت دیگران و اجابت انصاف و بسط مهربانی و هماندیشی و پرهیز از جدال و خونریزی، تا آن جا که ممکن باشد.

لغت «جنگ» در قرآن نه «قتال» که «حرب» است و نیاز به گفت و گوی دیگری دارد، که به توفیق الهی در پی خواهد آمد. (ادامه دارد)